

وزیر آموزش و پرورش تشریح کرد:

## دلایل عمده افت تحصیل دانش آموزان در ایران

کاظمی یادآور شد: «پوشش مادر حوزه پیش دبستانی به دلیل نوع جدیدی که سازمان تعلیم و تربیت کودک شکل گرفته و به تازگی آغاز شده در حال تغییر است و در ابتدای راه هستیم، بخشی از این کاهش کیفیت به این موضوع بازمی گردد و بخش دیگر هم طبیعتاً به خود آموزش و پرورش بازمی گردد که ما هم معتقدیم این سازمان سهم زیادی در این موضوع نسبت به بقیه دارد.» وی با بیان این که استانداردهای موجود در قضا، تجهیزات و منابع انسانی نیز تأثیرگذار هستند، گفت: «اگر این سه را کنار هم بگذاریم، طبیعتاً در کیفیت تأثیر خواهد گذاشت، برای مثال، اگر به چهارمادریک کلاس ۱۰ نفره تحصیل کنند یا در یک کلاس ۳۰ نفره، قطعاً این روی کیفیت تأثیر دارد. معلم می تواند در کلاس ۱۰ نفره ۵ دور با آن ها درس را بررسی کند و با آن ها مورد به مورد کار کند، اما در کلاس ۵۰ نفره، باید عمومی درس بدهد و اصلاً نمی تواند تکالیف را بررسی کند.» کاظمی افزود: «می خواهیم بگویم که استانداردها اهمیت دارند. حال اگر تجهیزات من به روز باشد و فناوری های پیشرفته در اختیار معلم و دانش آموزان قرار گیرد، شرایط تفاوت می کند. بخشی هم به آموزش معلمان و توانمندی های آن ها برمی گردد که ما در این حوزه هم کار می کنیم.» وزیر آموزش و پرورش بیان کرد: «یکی از برنامه های مهمی که در دولت و در دستور کار دکنتر پیشکین قرار دارد موضوع کیفیت بخشی است، به عنوان تجربه ای که دارم، معتمد کیفیت با دو عامل دیگر باید لحاظ شود. اما فعلاً آنچه در اختیار من است، یک مدرسه و یک کلاس درس است. من نه به خانواده دسترسی دارم و نه می توانم در فضای مجازی و جامعه تغییراتی ایجاد کنم و آن ها مسیر خودشان را می روند، اما فعلاً چه کار می توانم انجام دهم؟ من می گویم، باتکیه بر دو عامل می توانم تحول ایجاد کنم و کیفیت را ارتقا دهم؛ یکی توانمندسازی معلم در کلاس درس و دیگری تغییر فضای کلاسی است.»

کاظمی در بخش دیگری از سخنانش، با بیان این که علاوه بر اقداماتی که در کلاس های درس باید صورت گیرد، باید برخی کارها را در فضای مدرسه انجام دهیم، گفت: «فضای مدرسه و کلاس باید تبدیل به فضایی جذاب شود که دانش آموز وقتی وارد مدرسه می شود، حس خوبی به او دست می دهد و این خود باعث ارتقای کیفیت می شود.»

وزیر آموزش و پرورش افزود: «لکنه بعدی که در کیفیت آموزش موثر این است که باید مدیر مدرسه بتواند مدیریت کند، یعنی مدیرانی عاشق دلسوز، توانمند و فعال داشته باشیم که ظرفیت های اجتماعی محله را بشناسند و در آن محیط مدرسه تغییراتی ایجاد کنند تا وقتی دانش آموز از مدرسه بیرون می آید حس خوبی داشته باشد. حال به چه ابزارهایی؟ فعالیت های تربیتی، ورزشی و فضای کالبدی من جمله سرویس های بهداشتی را خوب رسیدگی کند. مدیری موفق است تمیزترین سرویس بهداشتی را داشته باشد و فضای ورزشی خوبی داشته باشد، امکانات ورزشی حداقلی داشته باشد و به چه هادر فضای مدرسه نقش دهد.»

وی همچنین یادآور شد: «شاید بخشی از کاهش کیفیت به تأثیرات دوران کرونا بازمی گردد؛ به هر حال دوسال دانش آموزان ما کاملاً از فضای آموزشی فاصله داشتند و از آن فضا دور شدند. بخشی هم به مسائل اجتماعی و فرهنگی بازمی گردد و لایه های عمیقی دارد که فرصت حرف زدن در مورد آن را ندارم ولی اگر روزی زمان و شرایط مهیا باشد حاضرم دوساعت درباره آن صحبت کنم.»

رئیس جهاد کشاورزی شهرستان بافت:

## پیش بینی برداشت ۱۰ هزار تن گردو از باغات شهرستان بافت



وی گفت: نسبت به پارسال ۱۰ درصد افزایش تولید داشته ایم چرا که سرمازدگی سال گذشته را امسال نداشته ایم.

وی خاطرنشان کرد: ۴۰ درصد از محصول گردو شهرستان در استان مصرف می شود و در حال اخذ مجوز فرآوری و بسته بندی محصول به وسیله تشکلی به نام شرکت گردو هستیم و متأسفانه در خصوص صادرات مستقیم گردو اقدامات مناسبی که به نتیجه رسیده باشد انجام نشده است.



وزیر آموزش و پرورش درباره کاهش میانگین معدل دانش آموزان در سطح کشور و چرایی این موضوع گفت: «عوامل متعددی وجود دارد که کیفیت تحصیل را پایین آورده است و فقط نباید آموزش و پرورش را متهم کنیم که خدایی نکرده معلم کم کاری می کند.» علیرضا کاظمی افزود: «باید در یک کلاس ۵۰ نفری که هیچ استاندارد نمی تواند کار کند، ببینیم چه محصولی تولید می کنید؟ معلمان ما با تمام وجود کار می کنند اما خیلی از متغیرها اصلاً در اختیار آن ها نیست.»

وی ادامه داد: «بخشی از این مسئله هم به خانواده ها برمی گردد. به دلیل مشغله ها و مسائل خاصی که در فضای عمومی خانواده به وجود آمده و تفاوت و شکاف و گسست بین والدین و دانش آموزان و موضوع نگرانی و اضطرابی دانش آموزان که در خانواده ها به شدت رواج دارد، باعث شده که خانواده ها وقت رسیدگی به مسائل تربیتی و تحصیلی دانش آموزان را نداشته باشند و مدرسه عده ای معذور که این کار را انجام می دهند.»

به گزارش ایلا، وزیر آموزش و پرورش با اشاره به این که بخشی از این موضوع به نظام تربیتی خانواده و بخشی به نظام تربیتی جامعه بازمی گردد، بیان کرد: «به هر حال، این گوشی هایی که امروز در اختیار ماست، نه تنها دانش آموزان را بلکه حتی من و شما را هم از فرصت فکر کردن و پرداختن به مسائل اساسی زندگی مان بازمی دارد. وقتی به این مسائل عمیق تر نگاه می کنیم، متوجه می شویم که این موضوع باعث کاهش ارتباطات و توجهات شده است و این خود تأثیرگذار است.»

وی افزود: «بخش دیگر این افت تحصیلی به ساختار کلان نظام تعلیم و تربیت برمی گردد که شاید در اختیار آموزش و پرورش هم نیست. برایتان یک مثال می زنم؛ تفاوت ها را ببینید در جایی یک دانش آموز پیش دبستانی یک، دو و سه را می گذرانند و از ابتدا در فضای یاددهی و یادگیری رشد می کند. این را مقایسه کنید با دانش آموزی که در چنین فضایی قرار نگرفته، خصوصاً در مناطق دوزبان که یک دفعه دانش آموز وارد فضای آموزشی می شود، حتی نمی تواند بخواند و معلم نمی تواند متوجه شود؛ این مسائل به شدت نقش دارند.»

سر مقاله

## درآمد ناپایدار؛ هزینه پایدار



جعفر خیرخواهان / اقتصاددان

● «سال های رونق نفتی، و لخر جی را فضیلت و عین عدالت جلوه می دهد؛ اما در روزگار رکود و افول نفتی، صورت حساب تعهدات روی میز می آید و رنگ ها به صدا در می آید.» این خلاصه درد مشترکی است که ماکس کوردن (Max Corden) اقتصاددان دانشگاه ملبورن استرالیا (درگذشته به سال ۲۰۲۳)، پس از دومین شوک نفتی، در مقاله سال ۱۹۸۴ خود با عنوان «بخش پر رونق و تحلیل اقتصادی بیماری هلندی» هشدارش را داد؛ بیماری هلندی واقعی فقط صنعت زدایی و کشاورزی دایی بر اثر اضافه ارزش یافتن پول ملی نیست، خطر آن جاست که دولت ها در سال های وفور، با درآمد بخش رونق گرفته یعنی صنعت نفت، «سلحشی از خدمات و تعهدات اجتماعی ایجاد می کنند که پایدار نیست» و کاهش دادن آن در آینده نیز به لحاظ سیاسی دشوار و پرهزینه است. در اقتصاد منابع، قریب اصلی از همین جا شروع می شود: وفور ارزی، قیمت واقعی تصمیم های ارزان با نفت را که «امروز دل نشین اما فردا پرهزینه هستند» می پوشاند. جهش درآمد ارزی از محل صدور نفت، مثل نورا فکن بزرگ یک جشن باشکوه است؛ سالن روشن می شود، صدای موسیقی بالا می رود، همه سرخوش و دست و پا باز می شوند و در پایان، قبض برق و نظافت و خسارت می رسد. اقتصاد سیاسی وفور، انضباط بودجه ای را شل می کند و سیاستمداران به سمت «هدیه دادن های دوام ناپذیر» می روند: امتیازهای دائمی به شکل باز نشستگی های زود هنگام، فرمول های سخاوتمندانه مستمری و معافیت هایی که صورت حسابش به صندوق ها تحمیل خواهد شد.

از دهه ۱۲۷۰ به بعد (و به ویژه طی دهه ۱۳۸۰ و اوایل دهه ۱۳۹۰) منطق سیاست گذاری ما بارها به سمت «تثبیت تعهدات اجتماعی پرهزینه» رفت: امتیازهای متنوعی که «سهل الوصول» به نظر می رسیدند مانند گسترش باز نشستگی های پیش از موعد و دامنه «مشاغل سخت و زیان آور». در روزگار وفور، چنین تصمیم هایی هم «خیر خواهانه» جلوه می کنند و هم «از لحاظ سیاسی پربازده» است؛ اما در دوره تنگدستی، همین ها به مین های فعال در بودجه و صندوق ها تبدیل می شوند.

صورت مساله امروز را مقام های مسئول به روشنی بیان کرده اند. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، باز نشستگی زود هنگام، «امضای جدید کشور» خوانده است و می گوید اکنون «۹۵ درصد باز نشستگان کشور، کمتر از ۶۰ سال باز نشسته می شوند»؛ حتی به کاهش معنادر سن باز نشستگی در برخی صندوق ها اشاره کرد و توضیح داد فشارهای گروهی و امتیازدهی های سال های گذشته، نظام را به این نقطه رسانده است. در طرف صندوق ها هم تصویر روشن است: مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، ریشه چالش مالی امروز را صریحاً در «تصمیم های شتاب زده» باز نشستگی های زود هنگام و محاسبات غیرواقعی حقوق در سال های پایانی خدمت دانسته و از کسری های ماهانه و تعهدات نقدی بسیار بالا سخن گفته است. همین مقام، از تعهد ماهانه سنگین و فاصله معنادر منابع تا مصارف و نیز اثر «حقوق های جهشی دوسال آخر» بر بار صندوق گفت.

مواردی که از جنس همان «تعهدات ناپایدار» هستند که کوردن هشدار می داد. چرا این مسیر، «بیماری هلندی واقعی» است؟ در منطق کوردن، رونق بخش منابع با دو اثر، اقتصاد را تغییر می دهد: اثر خرج کردن و جابه جایی منابع. اما او بار از حساب های بخشی فراتر می گذارد و بر «قفل سیاسی تعهدات» دست می گذارد: وقتی سطح خدمات و مزایا در سال های وفور بالا رفت، پایین آوردن سخت می شود، حتی اگر درآمد فروکش کند. این همان «چسبندگی سیاسی گشاده دستی» است: تعهد، به حق مکتسبه تبدیل می شود، هر عقب نشینی، اعتراض می آورد و هر اصلاحی، قربانی هزینه سیاسی می شود.

در ایران، زنجیره تصمیم های پرهزینه اجتماعی، از دامنه بسیار گسترده باز نشستگی های پیش از موعد تا تعاریف موسع سخت و زیان آور و فرمول های پاداش دهنده به جهش دستمزدهای انتهای خدمت، دقیقاً روی همان ریل حرکت کرد. تا وقتی ورودی منابع بالا بود، کسری ها پنهان می ماند؛ اما با «خالی شدن خزانه و افت ورودی صندوق ها»، همان چیزی رخ می دهد که کوردن گفت: تعهدات ناپایدار، پایدار هم اگر بماند، بهایش را کاهش خدمات، بدهی زایی یا فشار مالیاتی و تورمی می پرداند و بستر تضایبی اجتماعی فراهم می شود.

### سه درس سیاستی برای «گذار از بار سنگین تعهدات انباشته»

کوردن فقط هشدار نداد؛ در تجربه استرالیا، نسخه های سیاستی هم پیشنهاد کرد، از قاعده مالی محتاطانه و پس انداز بین نسلی تا خودداری از حمایت های بخشی پراکنده و نپاشیدن پول رونق روی هزینه های جاری؛ توصیه هایی که با مقداری بومی سازی برای ما هم قابل استفاده هستند.

### ۱. قاعده «تعهدات معوقه ممنوع» در دوران وفور

هر افزایشی در تعهدات اجتماعی دائمی (حقوق باز نشستگی، امتیازات دائمی) فقط از محل منابع پایدار بیمه ای ممکن باشد، نه از وفور ناپایدار. به زبان ساده: پول یادآورده برای پس انداز و سرمایه گذاری مولد است، نه بزرگ کردن دائمی اندازه دولت رفاه. این امر معنای مالی همان هشدار است که کوردن درباره «سطوح خدمات ناپایدار» داد.

### ۲. اصلاحات پارامتریک کم هزینه اما پراتر

افزایش تدریجی سن باز نشستگی متناسب با امید به زندگی و وضعیت بازار کار. میانگین گیری بلند مدت تر برای محاسبه مستمری تا جهش های حقوقی آخر خدمت، بار غیرمنصفانه ای بر صندوق ها نگذارد.

اصلاح دامنه «سخت و زیان آور» با استانداردهای دقیق زیستی و پزشکی و الزام به حق بیمه اضافه معطر برای هر امتیاز. یکپارچسازی پایگاه داده ای بیمه و مالیات برای بستن راه دستکاری های محاسباتی و دواپاری های پوشش.

اینها ابزارهای کلانسیک «پایدارسازی تعهدات» هستند؛ به جای قربانی کردن حقوق بگيران امروز، فرمول بازی را اصلاح می کنند.

### ۳. صندوق بین نسلی و «اجازه ورودندان» به درآمد های نوسانی

فرمول درست نفتی این است: درآمد نوسانی را آرام و از کانال بودجه های سرمایه ای وارد اقتصاد کنید و بخشی را در صندوق ثروت ملی شفاف انباشته کنید تا هم جلوی بیماری هلندی کلاسیک (قدرت گرفتن نرخ ارز واقعی) گرفته شود، هم انگیزه سیاستمدار برای خلق تعهدات دائمی از پول های موقتی کم شود. این همان روح توصیه های کوردن در مواجهه با رونق معدنی / منابعی است.